

مجله زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال پنجم - پاییز زمستان ۱۳۸۶

کاربرد تصاویر شاعرانه در شعر بهار

دکتر مسعود فروزنده*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

میرزا محمد تقی، متخلص به بهار، شاعر، نویسنده، روزنامه نگار و پژوهشگری است که آثاری به نظم و نثر از خود به یادگار گذاشته. اشعار بهار، ساده، پرشور، گرم و صمیمی است که در آنها، شاعر مضامین شعری خود را همراه با تصاویر شاعرانه‌ی زیبایی ارائه کرده. نیروی تصویرآفرینی همیشه نشانه‌ی شاخص یک شاعر است. بنابراین، مقاله‌ی حاضر به بررسی تصاویر شاعرانه (تشبیه و استعاره)، در شعر بهار اختصاص یافته است. در این مقاله، به شعر و خیال (تصویر) اشاره شده است. تشبیه‌ها و استعاره‌های شعر بهار از لحاظ بسامد، موضوع (عناصر تصویر ساز)، فشردگی و گستردگی و نیز از جهت هدف شاعر از آوردن این تصاویر بررسی شده‌اند و در بخش پایانی مقاله درباره‌ی تناسب تصویر با موضوع بحث شده است.

واژگان کلیدی: دیوان بهار، خیال، تشبیه، استعاره، عناصر تصویر ساز.

* E-mail: Mfrozandeh @ yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۶/۵/۱

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۱۸

مقدمه

حاصل کار شاعری بهار، دیوانی دو جلدی است که در آن انواع شعر از قصیده و غزل و قطعه و مثنوی گرفته تا مسمط و ترجیع بند و تصنیف و جز آن وجود دارد. بهار شاعری استاد و هنرمند است، وی در حالی که در شعر، به ویژه در قصیده سرایی، ادامه دهنده ی راه استادان بزرگ قصیده سرا مانند رودکی و عنصری و فرخی و منوچهری به شمار می آید، به گرایش های شعر نو هم متمایل است. مضامین شعر بهار متنوع است و از همه رنگ؛ «کهنه و نو، سیاسی و اجتماعی، وطنیات و اخلاقیات» (یا حقی، ۱۳۷۶: ۳۴). این شاعر «توانسته است شعر خود را با خواسته های ملت هماهنگ سازد و ندای خود را در مسائل روز و حوادثی که هموطنان وی را دچار اضطراب و هیجان ساخته بود، بلند کند» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۲۷/۲). اگر بخواهیم، یکی از قالب های شعر بهار را برگزینیم بدون تردید قصیده های این شاعر را انتخاب می کنیم. زیرا در قصاید بهار «هم شیرینی و سادگی بیان فرخی هست و هم شکوه واستواری زبان و سرزندگی و شادابی اندیشه ی بخردانه ی رودکی» (یا حقی، ۱۳۷۶: ۳۵).

بنابراین، در این مقاله پس از اشاره ای به شعر و خیال (تصویر)، تشبیه واستعاره به عنوان اصلی ترین صور خیال در پاره ای از قصاید بهار به عنوان استادانه ترین نوع شعر این شاعر بررسی می شود تا میزان و نحوه ی کاربرد این تصاویر شاعرانه در شعر بهار مشخص شود.

شعر و خیال (تصویر)

از شعر تعریف های گوناگونی ارائه کرده اند. قدامه بن جعفر شعر را سخنی موزون و مقفی می داند که بر معنایی دلالت کند (قدامه، بی تا: ۵۳) و خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف شعر می گوید: «شعر کلامی است مخیل، مؤلف از اقوالی موزون متساوی مقفی» (خواجه نصیر، ۱۳۷۵: ۴۴۲/۱). هر تعریف لطفی دارد و به نحوی شعر را معرفی می کند. ولی بیشتر صاحب نظران ارائه ی تعریفی جامع و مانع از شعر را غیر ممکن می دانند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۶). درست است که ارائه ی تعریفی جامع و مانع از شعر غیر ممکن است ولی همه ی صاحب نظران جوهر و

ماده‌ی اصلی شعر را خیال (تصویر، ایماژ) می‌دانند. خیال عنصر اصلی شعر در همه تعریف‌های جدید و قدیم است شفیعی کدکنی، (۱۳۶۶: ۳). خیال باعث شور انگیزی و تأثیر بیشتر شعر می‌شود.

در تعریف خیال گفته‌اند: «مجموعه‌ی امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه‌ی اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمز و گونه‌های مختلف ارائه‌ی تصاویر ذهنی می‌سازد» (همان: ۱۰) و در تعریفی دیگر خیال را «نشان دهنده‌ی گره خوردگی عاطفی و عقلانی در برهه‌ای از زمان» دانسته‌اند (ازراپاند، به نقل از ولک، ۱۳۷۳: ۲۰۹).

علم بیان، از شیوه‌ها و روش‌های خیال بحث می‌کند. تشبیه و استعاره، مهم‌ترین و پرکاربردترین موضوع‌های علم بیان هستند. تشبیه، «هسته‌ی اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴). شاعران با تخیل نیرومندی که دارند بین پدیده‌ها و اشیا و موجودات شباهت‌هایی کشف می‌کنند و حاصل کشف خود را در قالب تشبیه‌های زیبا بیان می‌کنند. استعاره نیز شکل فشرده و خلاصه‌شده تشبیه است که سخنور می‌کوشد به یاری آن پیام خود را به شیوه غیرمستقیم به خواننده انتقال دهد. هر استعاره شکل تکامل یافته و خلاصه‌شده‌ی یک تشبیه زیبا است. عبدالقاهر جرجانی در مورد استعاره می‌گوید: «فضیلت استعاره در این است که در هر لحظه می‌تواند بیان را صورت تازه‌ای بخشد و بعد از هر امتیاز و برتری امتیاز دیگری را پدید آورد» (جرجانی، ۱۴۰۴: ۳۲).

یکی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سبکی در شعر هر شاعر توانایی وی در ارائه‌ی تشبیه و استعاره و به طور کلی صور خیال در شعر است و از این رهگذر است که قدرت شاعری او شناخته می‌شود و می‌توان هنر وی را ارزیابی کرد. هرچه صور خیال در شعر شاعری طبیعی‌تر و استادانه‌تر به کار رفته باشد، بر میزان ارزش و تأثیر شعر او افزوده می‌شود و در نهایت یکی از نشانه‌های خلاقیت و ابتکار شاعر در سرودن شعر به کار بردن تصاویر شاعرانه به شکلی تازه و هنرمندانه است. در اینجا، تشبیه‌ها و استعاره‌های شعر بهار از لحاظ بسامد، موضوع

(عناصر تصویر ساز)، فشردگی و گستردگی، هدف شاعر از آوردن این تصاویر و تناسب تصویر با موضوع، بررسی می شوند.

بسامد تشبیه و استعاره در شعر بهار

بهار با توجه به وسعت معلومات و مهارت در سرودن شعر، به خوبی از تشبیه و استعاره در شعر بهره برده است، در جدول های ذیل بسامد انواع تشبیه و استعاره در شعر بهار به طور تقریبی آمده است:

جدول ۱: (بسامد کلی تشبیه و استعاره در ابیات و قصیده ها):

قصیده های بررسی شده: ۳۷	ابیات بررسی شده: ۱۷۲۰	تصویرهای تشبیهی و استعاری: ۹۳۱	درصد تصاویر در ابیات: ۵۴/۱۲
-------------------------	-----------------------	--------------------------------	-----------------------------

جدول ۲: (بسامد کلی انواع تشبیه و استعاره):

نوع تصویر	بسامد	درصد نوع تصاویر در ابیات
۱- تشبیه	۴۵۷	۲۶/۵۶
۲- استعاره	۴۷۴	۲۷/۵۵

جدول ۳: (بسامد انواع تشبیه و استعاره):

انواع تشبیه و استعاره	بسامد	درصد نوع تصاویر در ابیات	توضیحات
۱- تشبیه محسوس به محسوس	۳۱۶	۱۸/۳۷	
۲- تشبیه معقول به محسوس	۱۰۱	۵/۸۷	
۳- تشبیه معقول به معقول	۲	۰/۱۱۶	
۴- تشبیه محسوس به معقول	۷	۰/۴۰۶	
۵- تشبیه بلغ	۱۶۲	۹/۴۱	
۶- تشبیه غیر بلغ	۲۶۴	۱۵/۳۴	
۷- استعاره ی مصرحه	۱۱۴	۶/۶۲	
۸- استعاره ی بالکنایه	۳۶۰	۲۰/۹۳	استعاره ی بالکنایه از نوع تشخیص
		۰/۵۸۱٪	۱۰
۹- تشبیه تمثیل (تمثیل)	۳۱	۱/۸۰	

ابتدایی ترین تلاش تخیل، برای برقرار کردن پیوند میان اجزای ناسازگار و ساختن تصاویر شاعرانه تشبیه است، آن هم تشبیه های محسوس به محسوس. در مراحل بعدی تشبیه های معقول به محسوس یا معقول به معقول و در نهایت تصاویر شاعرانه ی دیگر از قبیل استعاره و مجاز و کنایه و جز آن. با نگاهی به جدول شماره ۳ در می یابیم که انواع تصاویر شاعرانه در شعر بهار وجود دارد و در کنار تشبیه های محسوس به محسوسی مانند تشبیه بیشه به جعد عروسان حبش (۶۸۲ / ۱) تشبیه های معقول به محسوسی همچون تشبیه سخن به داروی مفرح (۵۷۸ / ۱) و بلاغت به چراغ (۳۱۲ / ۱) نیز هست. تشبیه های این شاعر گاهی بلیغ هستند که در آنها تنها مشبه به و مشبه ذکر شده، مانند طایر آرزو (۳۴۵ / ۱) و بلبل امید (۳۶۹ / ۱) و گاه تشبیه هایی که سه رکن یا چهار رکن آنها در کلام ذکر شده مانند «تافته عقد پرن نزدیک راه کهکشان/همچو مجموعی گهر پیش بساط گوهری» (۳۵۹ / ۱).

بهار در زمینه ی آفرینش تصاویر شاعرانه از تمثیل نیز بهره برده، چنان که در دو بیت ذیل از قصیده ی لزنیه دو تمثیل زیبا در مصراع های دوم ابیات آمده است.

بی تربیت آزادی و قانون نتوان داشت «سعفص» نتوان خواند نخوانده «کلمن» را
بی نیروی قانون نرود کاری از پیش جز بر سر آهن نتوان برد ترن را

(بهار، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۸۴)

استعاره نیز که شکل فشرده و خلاصه شده ی تشبیه است، در شعر بهار بسامد قابل توجهی دارد. هم استعاره ی مصرحه مانند «سیم» در بیت ذیل که استعاره از «برف» است:

از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند

(همان، ج ۱: ۳۵۳)

هم استعاره ی بالکنایه مثل «کنگره ی کوه» در بیت ذیل:

گم شد ز نظر کنگره ی کوه جنوبی پوشید ز نظارگی آن وجه حسن را

(همان، ج ۱: ۶۸۲)

استعاره ی بالکنایه از نوع تشخیص یکی از کارهای چشمگیر بهار در حوزه ی عنصر تخیل در شعر است. کادن تشخیص را «اعطای شخصیت و تجسد به برخی از صفات و اسناد توانایی های بشری به اشیای بی جان» می داند (Cuddon, 1984: 501). تشخیص، یکی از صورخیال است که شاعر در آن اصل (این همانی) را رعایت می کند، یعنی، اگر شاعر در تشبیه می گوید: این مانند آن است؛ در این حالت نوعی دوگانه انگاری بین پدیده ها در ذهن وی وجود دارد، درحالی که در تشخیص، این دوگانه انگاری از میان می رود و به قول نورتروپ فرای، دوپدیده همذات و یکی می شوند: «شاعر یک همذات سازنده است که هر چه را در طبیعت مشاهده می کند با زندگی بشری این همانی می کند. به همین سبب، ادبیات، و بخصوص شعر، با ذهن بدوی تشابه دارد» (فرای، ۱۳۶۳: ۴۶).

در بسیاری از اشعار بهار، افعال، خصوصیات، اعمال و عواطف انسانی، به عناصر و موجودات بی جان نسبت داده شده و از این رهگذر فضای شعر او مملو از شور و نشاط و حس و حیات و حرکت گردیده است.

از نمونه های تشخیص در شعر بهار می توان به قصیده ی وطن من (۱/ ۲۳۷) که شاعر در آن با وطن خویش سخن گفته و در ده بیت از این قصیده یازده بیتی تشخیص وجود دارد و قصیده دماوندیه ی اول (۱/ ۳۵۰) و دماوندیه ی دوم (۱/ ۳۵۳) که در بیشتر ابیات آنها دماوند مورد خطاب قرار گرفته و نیز قصیده ی پیام ایران (۱/ ۵۲۹) که در هیجده بیت آن شاعر با وطن سخن گفته، اشاره کرد. در ابیات ذیل نیز نمونه هایی از تشخیص در شعر بهار دیده می شود:

زیک سو صف توپ کهسار کوب به او بار جان بر گشاده دهن

(بهار، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۴۸۸)

بر گیر می لعل از آن پیش که در باغ بر لعل لب غنچه نهد صبح، شکر خند

(همان: ج ۱/ ۳۷۵)

ای تیره شب، به مژه غم خواب خوش ای خواب خوش، به زلف امل مشک تر بسای

(همان: ج ۱/ ۳۶۰)

با توجه به ویژگی هایی که در تصاویر شعری بهار وجود دارد، سبک تصویر سازی وی یادآور تصاویر شاعرانه در شعر سبک خراسانی است و بنابراین، تصویر، باعث ابهام و تعقید در شعر این شاعر نشده و با توجه به تشبیه ها و تشخیص های زیادی که در شعر بهار وجود دارد، تصاویر شاعرانه، حس و حیات و حرکت ویژه ای به شعر این شاعر بخشیده است.

عناصر تشبیه در شعر بهار

تشبیه های بهار از لحاظ موضوعی نیز قابل بررسی است. وی از عناصر گوناگونی برای خلق این تصاویر شاعرانه بهره برده. عناصری از طبیعت بی جان، موجودات جاندار، آسمان و ستارگان، محیط پیرامون زندگی، دین اسلام و ادیان دیگر، اساطیر و تاریخ ایران و... از عناصر تشبیه ساز در شعر بهار هستند. در ادامه به طبقه بندی مهمترین این عناصر پرداخته می شود. البته این طبقه بندی بر اساس مشبه به های تشبیه ها است. چرا که «درک دقیق مشبه به، جهان بینی و شخصیت و محیط هنرمند را برای ما ترسیم می کند و از آن می توان به دنیای درونی و روحی نویسنده و شاعر راه یافت» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۰).

۱- عناصر بی جان طبیعت

گاهی عناصر و پدیده های بی جان طبیعت باعث خلق تشبیه در شعر بهار شده اند. در این نوع تشبیه ها، شاعر درختان پر شکوفه را مانند لوح آزمون ای که رنگ های گوناگون بر آن نقش بسته، می داند (۵۹۲/۱). باغی که تگرگ سطح آن را پوشانده، دشت پر از نمک را برای او تداعی می کند (۵۲۲/۱). گلنار را مانند شعله ی بی اخگر و لاله را مانند اخگر بی شعله می داند (۵۵۱/۱) و اختر در فضای تیره را به آتش پاره در دکان آهنگر تشبیه می کند (۳۶۰/۱) و از این نوع است تشبیه: عدو به آب و اخگر (۲۰۵/۱) سپاه سپهدار اعظم به صرصر (۲۰۶/۱) سپاه دشمن به ابر، سنگر به کوه، تفنگ به برق و توپ به تندر (۲۰۶/۱)، سپاه میر به خزان (۲۰۷/۱)، بلاغت به چراغ (۳۱۲/۱)، گفتار به آتش و دامان به آب (۳۲۶/۱)، انگشتان شبر به سوهان، پاشنه ی پا به

سندان(۳۲۷/۱)، پیکر سرد و آکنده به قالب پیه فسرده (۳۴۷/۱)، ابر سیاه به غربال(۳۵۱/۱)، تزویر به خیمه(۳۶۰/۱)، اندیشه به نوبهار (۳۶۸/۱)، ری به میخانه(۳۶۹/۱)، تهران به مزبله (۴۰۳/۱)، دانش به معدن (۴۴۲/۱)، شهوت به حجاب(۴۵۳/۱)، جور به خزان(۴۷۴/۱)، جفا به برق(۴۸۴/۱)، دین به مرغزار(۴۸۵/۱)، مهر و وفا به شهر بند، عشق و حقیقت به کلاه(۴۸۴/۱)، ننگ به گرد(۴۸۵/۱)، برف به کفن (۴۸۶/۱)، درخشش به کهربا(۴۸۶/۱)، مسیر لشکریان به راه مورچه(۴۸۸/۱)، سپاه دشمن در برابر سپاه نادرشاه به کاخ پوسیده در برابر زلزله(۴۸۸/۱)، آسمان که ستارگان در آن می درخشند به خمیه ی صد وصله ی پاره و سوخته (۵۲۱/۱)، برگ ها بر درخت بادام به وصله ی سبز بر جامه، درختان ارغوان به کله هایی از پرچم سرخ (۵۵۱/۱)، کشتی ها در کنار اسکله به بیشه (۵۷۴/۱)، نفس تعلیم دیده به آب گوارا در آوند (۵۷۴/۱)، شعر بهار به پولاد خراسانی(۵۷۸/۱)، انسان به نسیم (۶۲۴/۱)، هواپیما در آسمان به ابر پاره پاره (۶۹۴/۱)، ایران به چشمه ی صاف و زلال(۶۸۳/۱)، ماه در حالی که دم صورت فلکی عقرب بر روی آن خم شده به گویی که چوگان بالای آن قرار گرفته باشد، ستاره های روشن در آسمان به پاره های آتش روی گلیم تیره(۹۵/۱)، برف به کفن، مه به کافور، مه به دودی که در اثر آتش گرفتن صد تل جگن به هوا بلند شود، و تشبیه آفتاب در حالی که بالای مه قرار گرفته به لگن سیمینی که روی آب دریا قرار گرفته باشد و کسی از زیر آب به آن نگاه کند (البته لگن سیمین که در این تصویر آمده جزء عناصر اشرافی نیز هست)(۶۸۲/۱).

۲- موجودات جاندار

موجودات جاندار نیز در پاره ای تشبیه های بهار، یک سوی تصویر را تشکیل می دهند. وی در این نوع تشبیه ها، خواجهگان بی خرد را مانند شتر مست حرون می داند (۴۰۳/۱). کشتی غران را به شیر نر تشبیه می کند(۵۷۴/۱) و انسان نابکار را مانند سگ عقور می داند که کشتن او «به کیش هر آدمی» واجب است(۴۵۳/۱) و از این نوع است تشبیه: کیک به شتر(۳۱۱/۱)، زیلو به زالو(۳۴۷/۱)، دشمن به روباه (۳۶۸/۱)، سپاه جوان لاله زاری به خیل مور(۴۴۶/۱)،

انسان شرور به مار ارقم (۴۵۳/۱)، ستم به کرم (۴۸۴/۱)، سپاه دشمن به کارتن (۴۸۸/۱)، سپاه دشمن به شتراندرعطن (۴۸۸/۱) سپاه هند به مور و ملخ (۴۸۸/۱)، غوک به کرم (۵۱۱/۱)، افراد نظمیه و بهار به گرگ و بره (۵۵۱/۱)، پیشاهنگان به پلنگ (۵۹۸/۱) سپهدار اعظم به عقاب (۲۰۷/۱)، شهابی که در آسمان حرکت می کند به ماهی سیم در حالی که در آب حرکت می کند (۹۵/۱).

۳- اساطیر و تاریخ ایران

اسطوره ها و تاریخ ایران هم در برخی موارد در ایجاد تشبیه در شعر بهار نقش داشته اند. وی صفحه ی تاریخ روز گار را مانند جام جم می داند (۴۹۶/۱). دانه های تگرگ را به تیر خدنگ رستم (۵۵۲/۱) و خودش را در حالت مویه و ناله کردن به چنگ رامتین و رود باربد تشبیه می کند (۴۰۴/۱) و از این نوع است، تشبیه ستارخان و باقرخان به رستم و طوس (۲۰۵/۱)، مهتران بی هنر و خواجهگان بی خرد به بابک (۴۰۳/۱)، رستم به کهبدان (۴۴۳/۱)، شاه ایران (نادرشاه) به تهمتن (۴۸۸/۱)، گل ها به موبدان (۵۵۱/۱)، صحرایی که گل لعل در آن است به رامشگه پرویز، بوستانی که گل سرخ در آن است به آتشگه ریوند (۵۷۳/۱)، بلبل به مغان (۵۷۳/۱)، خورشید به رخ ضحاک (۵۷۳/۱)، فصاحت به رخش (۵۷۵/۱)، نی صحرا نشینان به چنگ رامتین (۵۷۸/۱)، شاهنامه به درفش کاویانی (۵۷۸/۱)، هواپیما به سیمرغ (۶۵۴/۱)، خطه ی رشت به فرش بهارستان (۶۵۵/۱).

۴- آسمان و ستارگان

در این نوع تشبیه ها شاعر، رایت سپهدار اعظم را به سهیل (۲۰۶/۱) و کوه دماوند را به مریخ و سهیل تشبیه می کند (۳۵۰/۱)، رخسار پیشاهنگان را مانند ماه ده چهاری می داند (۵۹۸/۱) و خودش را به خورشید تشبیه می کند (۳۲۶/۱).

۵- ابزار جنگ

بهار از پاره ای ابزارهای جنگی هم در تشبیه های خود بهره برده، در این نوع تشبیه ها، مجره ی تابان بر سپهر را مانند تیغ پر گهر در دست مرد لشکری می داند (۳۶۰/۱) و نور خورشید بر دامنه ی کوه البرز را به غیبه ی زر از بر خفتان و قزاگند تشبیه می کند (۵۷۳/۱). شواهد دیگر این نوع تشبیه ها عبارتند از: تشبیه بلا به پیکان (۳۲۷/۱)، حدثان به تیغ (۳۲۷/۱)، آفتاب به تیغ (۳۶۱/۱)، رستم به تیر (۴۴۵/۱)، خامه به خدنگ (۴۹۴/۱)، سیم وزر به کمند و بند (۴۹۵/۱)، مکر به تیغ (۴۹۷/۱)، گوک به کرنای (۵۱۱/۱)، جهل به خنجر (۵۳۰/۱).

۶- عناصر خیالی

در بعضی موارد، بهار از عناصر خیالی در تشبیه سازی بهره برده، شواهد این نوع عناصر عبارت است از تشبیه: سپاه دشمن به غول و دیو (۲۰۷/۱)، سپاه دشمن به عفريت واژدر (۲۰۸/۱) کاهلی به دیو (۴۵۳/۱)، صف پیلان جنگی به تناور درختی ز آهن غصن (۴۸۸/۱)، بنفشه در سبزه زار به پروانه ی مرصع میان خوید (۴۹۷/۱).

۷- عناصر اشرافی

پاره ای تشبیه های بهار رنگ اشرافی دارد، وی امواج دریا را در حالی که نور خورشید بر آنها تابیده به ماهی سیمینه بر میز نیلی تشبیه می کند (۶۵۵/۱) و کهکشان در آسمان را مانند دیبای زربفت زیر شعر خاکستری می داند (۳۵۹/۱). دیگر شواهد این نوع عناصر عبارت است از تشبیه: چکامه ی بهار به عقد درر (۲۰۸/۱)، ماه و زهره در آسمان به نگین دان جدا از حلقه ی انگشتری (۳۵۹/۱)، کهکشان به آویزه ی الماس (۳۵۹/۱)، ستارگان در آسمان به دیبای سیاه که بر آن میخ های نقره ای کوفته باشند (۵۲۱/۱)، دماوند در حالی که خورشید بر آن تابیده به خیمه ی زربفت (۵۷۳/۱)، لعل (لب) به خاتم بدخشی (۵۹۸/۱)، ضیمران بر روی درخت بید به تاج رنگین

بر سرطاووس نر (۶۵۳/۱) برگ بید به زمرد، گل ضیمران به اکلیل (تاج) (۶۵۳/۱)، رودبار به دیبه سبز پر نقش (۶۵۵/۱) و کهکشان به جامه ی زربفتی بیرنگ و کهنه (۹۵ /۱).

۸- عناصر دینی و مذهبی

عناصر دینی و مذهبی نیز در شعر بهار باعث خلق تشبیه های زیبایی شده اند. وی در این نوع تصاویر هم از اصطلاحات و مسایل دین اسلام استفاده کرده و هم از مسایل ادیان دیگر. بهار هواپیمایی را که بمب اتمی می افکند به اژدهای دوزخ تشبیه می کند (۶۹۴ /۱)، نور آفتاب را مانند مسیح می داند و عشق و امید را به فرشته تشبیه می کند (۶۵۲ /۱) و از این نوع است تشبیه: مردخودستا به فرعون (۴۵۲/۱)، انسان خسیس به جهود، انسان پاک به عیسی (ع) (۴۵۲/۱)، دانش به فردوس، جهل به دوزخ (۴۵۳/۱)، چمن به بهشت (۴۸۶ /۱)، نیاز و آرزو به شیطان (۴۹۵/۱)، حرص به قارون، مروت به عیسی (ع) (۴۹۶/۱)، برگ پیلگوش به سجاده ی کبود (۵۱۰/۱)، سرای بهار به مسجد در شب قدر (۵۵۲/۱)، هفت باغ دلگشا (شاهنامه) به هشت خلد (۵۷۷/۱)، تهران به رضوان (۶۱۹/۱)، هواپیما و سرنشینان آن به سلیمان و قالیچه وحوت و یونس (۶۵۴/۱)، شهرهای بمباران شده به شهر لوط (۶۹۴/۱) و تشبیه خودش در حالی که در شب به گل آذریون بر روی شاخه می نگرد به حضرت موسی که به شجر نار (درختی در سرزمین طور که حضرت موسی می خواست از آن آتش بیاورد). نگاه می کند (۹۵ /۱).

۹- گل ها و گیاهان

گل ها و گیاهان نیز از عناصر تشبیه ساز در شعر بهار هستند، وی شاهان بی گهر غزنوی را مانند اسپرغم کنار پارگین می داند (۵۷۷ /۱)، مرد بی ذوق را به گلبن بی گل و انسان بی علم را به شاخ بی بر تشبیه می کند (۴۴۲ /۱). شواهد دیگر این نوع عناصر عبارت است از تشبیه، حسام به نیلوفر (۲۰۷/۱)، خون به لاله (۲۰۷/۱)، عدوی دین به شجر خشک و جان عدو به برگ خشک شجر (۲۰۷/۱)، مصیبت به خار (۲۳۸/۱)، اصلاح به نوگل (۳۶۹/۱)، رخ به برگ سمن، قد

به سروسهی (۴۸۹/۱)، استخوان به نی (۵۷۲/۱)، شاهنامه به یاسمین (۵۷۵/۱)، قد و عارض پیشاهنگان به سرو جویباری و گل بهاری (۵۹۸/۱).

۱۰- پرندگان

پرندگان نیز در تشبیه های بهار حضور دارند. شواهد این نوع عناصر عبارت است از تشبیه: چنگ گشودن شاه به قصد ملت به پرواز باز به سوی تیهو (۲۰۵/۱)، سپهدار اعظم به عقاب (۲۰۷/۱)، امید به بلبل (۳۶۹/۱)، سپاه هند به زاغ و زغن (۴۸۸/۱)، تورانیان به بوم، ایرانیان به بازخشین (۵۷۷/۱)، جنگ به جغد (۶۲۰/۱)، صلح به کبوتران سپید (۶۹۵/۱).

عناصر تشبیه ساز در شعر بهار متنوع است، اما بیشتر این عناصر، همان عناصری است که در شعر شعرای پیشین نیز دیده می شود ولی موضوع هایی که به این عناصر تشبیه شده است، بعضاً تازه است و نوآوری هایی در این زمینه در شعر این شاعر مشاهده می شود؛ مثلاً در ابیات ذیل، تانک جنگی به کوه آتشین و اژدها تشبیه شده است:

رونده تانک همچو کوه آتشین هزار گوش کر کند صدای او
همی خزد چو اژدها و درچکد به هر دلی شرننگ جانگزی

(بهار، ۱۳۸۰: ۶۹۳/۱)

طرفین استعاره نیز در شعر بهار، وضعیتی شبیه طرفین تشبیه های وی دارد؛ یعنی، در این نوع تصاویر وی نیز مستعار منه (مشبه به) بیشتر تکرار عناصری است که در شعر گذشتگان هم وجود دارد ولی مستعار له (مشبه های) وی بعضاً از موضوع های تازه است، مثلاً، در ابیات ذیل، هدهد و عقاب آهنین، استعاره از هواپیما است:

رهبر ما به سوی قاف یکی هدهد بود هدهدی غران چون شیر و دمان چون صرصر

(همان: ۶۵۴/۱)

چو پر بگسترد عقاب آهنین شکار اوست شهر و روستای او

(همان: ۶۹۴/۱)

البته درست است که بسیاری از عناصر تصویر ساز در شعر بهار تکرار عناصری است که در شعر شعرای پیش از وی هم آمده ولی اگر با نظر شلگل موافق باشیم که درباره ی تصاویر خیالی می گوید: «مجاز و استعاره ی کهنه و فرسوده وجود ندارد؛ حتی کهن ترین تشبیهات نیز جای خود دارند. زیرا صورت های خیالی به واقع زیبا و جاودانه اند و هر چند بارها به کار رفته باشند، در دست شاعری اصیل حیاتی دوباره خواهند یافت» (ولک، ۱۳۷۴: ۵۷/۲). با مطالعه ی شعر بهار در می یابیم که وی با توجه به وسعت معلومات و مهارت در سرودن شعر، توانسته است از عهده ی ارائه ی تصاویر شاعرانه برآید و در آوردن صور خیال یک مقلد صرف نیست.

تصاویر شاعرانه ی بهار از لحاظ فشردگی و گستردگی

تصاویر شاعرانه ی بهار در پاره ای موارد فشرده است و در پاره ای موارد جنبه ی تفصیلی دارد و در فضای دو یا چند مصراع مطرح می شود. در آغاز رواج شعر به زبان دری، تصاویر شعری در بسیاری موارد جنبه ی تفصیلی داشت که اغلب در فضای چند مصراع یک تصویر با تمام جزئیات ارائه می شد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۴۰۵) ولی در دوره های بعد جنبه ی فشردگی تصاویر غالب می شود، به طوری که در شعر شاعران سبک عراقی و هندی در یک بیت دو یا چند تصویر ارائه می شود. برای مثال در بیت زیر از صائب تبریزی:

آب ها آینه ی سرو خرامان تواند بادهای مشاطه ی زلف پریشان تواند

(صائب، ۱۳۷۵: ۱۲۱۳/۳)

آب به آینه تشبیه شده. باد به مشاطه. سرو، استعاره از قامت یار و مشاطه بودن بادهای، استعاره ی بالکنایه (تشخیص) است.

در اشعار بهار در کنار تصاویر فشرده ای از قبیل ساعد بیداد (۲۰۸/۱)، چراغ بلاغت (۳۱۱/۱)، رخ آرزو (۳۴۷/۱)، سیاه چادر انصاف (۳۶۰/۱)، خنجر جهل (۵۲۹/۱) و شاخ فضیلت (۴۷۴/۱)، تصاویری تفصیلی وجود دارد که در فضای چند مصراع ارائه شده اند:

بنگر بدان درخش کز ابر کبود فام برجست و روی ابر به ناخن همی شخود

چون کودکی صغیر که با خامه‌ی طلا
کز مژ خطی کشد به یکی صفحه‌ی کبود
(بهار، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۹۳)

و آن سنبل کبود نگر کز میان کشت
چون پاره‌های ابر رده بسته بر هوا
با سنبل سپید به یک جای بشکفید
و اندر میانش جای به جای آسمان پدید
(همان: ۱/ ۴۹۷)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که بهار در ارائه‌ی تصاویر هم به شیوه‌ی تصویر سازی شعرای سبک خراسانی نظر داشته و هم به شیوه‌ی شعرای ادوار بعد.

هدف بهار از آوردن تصاویر شاعرانه

هدف بهار، از آوردن تصاویر شاعرانه در شعر، گاه برای تصویرسازی و توصیف است و گاه در جهت القای عاطفه و معنی؛ یعنی، بهار در پاره‌ای موارد، تصاویر شاعرانه را بیشتر برای این که تصویر سازی و توصیف کند و بر زیبایی شعر خود بیفزاید، در شعر می آورد و در مواردی دیگر از تصویر در جهت تأثیر گذاری بیشتر معانی و عواطف و احساساتی که در شعر مطرح می کند، بهره می برد. نمونه‌هایی از تصاویری که برای توصیف و تصویر شعر آمده است:

با مه نو زهره تابان شد ز چرخ چنبری
چون نگین دانی، جدا از حلقه‌ی انگشتی
(بهار، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۵۹)

برق انجم در فضای تیره گفتی آتشی است
پاره پاره جسته در نیلی پرنده ششتری
(همان: ۱/ ۳۵۹)

ز میخ اندر جهد هزمان درخشا
کجا طفلی کشد با دست لـرزان
شود میخ از درخشیدنش رخشا
خطی زرین، بدان ماند درخشا
(همان: ۱/ ۵۲۲)

ز سنگک (تگرگ)، باغ چون دشت نمک شد که بود از لاله چون کان بدخشا
(همان: ۵۲۲/۱)

نمونه هایی از تصاویری که برای القای عاطفه و معنی آمده است :

بر خاک فکنده بر یکی زیلو چون زالو چسبناک و سرد وتر
(همان: ۳۴۷/۱)

دور از خراسان گزین، در ری شدم عزلت گزین مویان چو چنگ رامتین، نالان چو رود بار بد
(همان: ۴۰۴/۱)

بی ذوق، ر جل گلبنی است بی گل ای گلبن بی گل، ثمر چه داری ؟
(همان: ۴۴۲/۱)

این است گناه من که در هر گام نا کام چو پورسعد سلمانم
(همان: ۳۲۶/۱)

تناسب تصویر با موضوع در شعر بهار

بهار از تناسب تصویر با موضوع آگاهی داشته و در ارائه ی تصویر، هماهنگی تصویر با موضوع را رعایت کرده است، در قصیده ی هیجان روح (که آن را در زندان سروده)، بالش چرکین خود را به گور مرده ی کافر تشبیه می کند:

افکنده به صدر بالشی چرکین پرگند چو گور مرده ی کافر
(بهار، ۱۳۸۰: ۳۴۷/۱)

و در قصیده ی نفته المصدور، خود را به هنگام نالیدن و مویه کردن، به چنگ رامتین و رود باربد تشبیه می کند:

دور از خراسان گزین در ری شدم عزلت گزین مویان چو چنگ رامتین، نالان چو رود باربد
(همان: ۴۰۴/۱)

و در قصیده ی راز طبیعت، آسمان را به دیبایی سیاه که بر آن میخ های نقره ای کوفته باشند و به یک خیمه ی صد وصله ی پاره و سوخته تشبیه می کند:

آسمان بود بدان گونه که از سیم سپید میخ ها کوفته باشد به سیه دیبایی
یا یکی خیمه ی صد وصله که از طول زمان پاره جایی شد و، سوخته باشد جایی

(همان: ۵۲۱/۱)

و در ابیات ذیل، تشبیه جنگ به جغد و صلح به کبوتر آشتی جالب است:

زهی کبوتر سپید آشتی که دل برد سرود جان فزای او
رسید وقت آن که جغد جنگ را جدا کنند سر به پیش پای او

(همان: ۶۹۵/۱)

و از این نوع است، تشبیه زاغ به دژخیم و انسان نابکار به سگ عقور در ابیات ذیل:

یاد آر از آن بلای زمستان که دست ابر از برف و یخ به گیتی نطعی بگسترید
دژخیم وار بر زبر نطع او به خشم آن زاغ بر جنازه ی گل ها همی چمید

(همان: ۴۹۷/۱)

انسان نابکار، بسان سگ عقور کشتنش واجب است به کیش هر آدمی

(همان: ۴۵۳/۱)

نتیجه

بهار یک شاعر تصویر گرا است که تشبیه و استعاره های فراوان و متنوعی در شعر وی وجود دارد. این شاعر از عناصر گوناگونی برای تصویر آفرینی استفاده کرده است. در شعر بهار هم تصاویر فشرده بسامد بالایی دارند، هم تصاویر تفصیلی. با توجه به تشبیه های محسوس به محسوس، معقول به محسوس و تشخیص های فراوانی که در شعر بهار وجود دارد، تصویر،

باعث ابهام و تعقید در شعر وی نشده و تصاویر شاعرانه حس و حیات و حرکت ویژه ای به شعر این شاعر بخشیده است و این سبک تصویر سازی در شعر، بیشتر یاد آور تصاویر شاعرانه در شعر سبک خراسانی است. هدف شاعر از آوردن تصاویر شاعرانه گاه برای تصویر سازی و توصیف است و گاه برای بیان و القای عاطفه و معنی. بهار از تناسب تصویر با موضوع آگاهی داشته و تصاویر وی عموماً با موضوع، ارتباط و هماهنگی دارد. بسیاری از عناصر تصویر ساز در شعر بهار همان عناصری است که در شعر شاعران پیشین هم دیده می شود که وی با استادی آنها را در شعر خود وارد کرده است، بنابراین بهار در ارائه ی تصاویر هم به شیوه ی تصویر سازی شعرای سبک خراسانی نظر داشته و هم به شیوه ی شعرای ادوار بعد.

منابع

- ۱- آربین پور، یحیی (۱۳۷۲) *از صبا تا نیما*. دو جلد. چاپ چهارم. تهران: انتشارات زوار.
 - ۲- بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) (۱۳۸۰) *دیوان اشعار*. دو جلد. چاپ دوم. تهران: توس.
 - ۳- پور نامداریان، تقی (۱۳۸۱) *سفر در مه*. ویراست جدید. تهران: انتشارات نگاه.
 - ۴- جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۰۴ ه.ق) *اسرار البلاغه*. صححها و علق حواشیه السید محمد رشیدرضا. بیروت: دارالمعرفه الطباعه والنشر.
 - ۵- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۷۵) *تعلیق بر اساس الاقتباس*. به کوشش سید عبدالله انوار. دو جلد. چاپ اول: تهران: نشر مرکز.
 - ۶- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۶۶) *صور خیال در شعر فارسی*. چاپ سوم. تهران: آگاه.
 - ۷- ————— (۱۳۷۰) *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
 - ۸- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) *بیان*. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوس.
 - ۹- صائب تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۷۵) *دیوان اشعار*. به کوشش محمد قهرمان. ۶ جلد. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ۱۰- فرای، نورترپ (۱۳۶۳) *تخیل فرهیخته*. ترجمه‌ی سعید ارباب‌شیرانی. تهران: نشر دانشگاهی.
 - ۱۱- قدامه بن جعفر، ابی الفرج (بی تا) *نقد الشعر*. تحقیق و تعلیق الدكتور محمد عبدالمنعم خفاجی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - ۱۲- ولک، رنه (ج ۱، ۱۳۷۳ - ج ۲، ۱۳۷۴) *تاریخ نقد جدید*. ترجمه سعید ارباب شیرانی. چاپ اول. تهران: انتشارات نیلوفر.
 - ۱۳- یا حقی، محمد جعفر (۱۳۷۶) *چون سبوی تشنه*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات جامی.
- 14- J.A.Cuddon (1984) *A Dictionary of Literary Terms*, England, PenGuinbooks,.